

A Comparative Study of the Referent of "al-aa rrrrrrrββl-sss ān

Mohammad Hossein Baroomand¹

Amir Joudavi²

Batool Alavi³

1. Associate Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Yazd University, Yazd, Iran.

mhbaroomand@yazd.ac.ir/ <https://orcid.org/0000-0003-0001-7817>

2. Associate Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Yazd University, Yazd, Iran (Corresponding Author).

amirjoudavi@yazd.ac.ir/ <https://orcid.org/0000-0003-1555-8464>

3. Ph.D. in Comparative Exegesis, Independent Researcher, Shiraz, Iran.

b.alavi_84@yahoo.com/ <https://orcid.org/0009-0006-9445-9040>

*Scientific
article*

Received:

2025-02-08

Accepted:

2025-05-24

Keywords:

Sūrat al-Insān,
Sabīl,
Affection for
the Ahl al-
Bayt (AS),
Laffāfeh
(Enveloping
Layer)

Abstract: Exegetes have proposed various views on determining the referent of the word "sabīl" (path) in the verse, "Indeed, this is a reminder; so, he who wills may take a path to his Lord" (al-Insān 76:29). These interpretations fall into two main categories. The first category emphasizes the generality of the concept of "sabīl". The second category enumerates specific and determined referents for it, which are: 1) Obedience to God, 2) The Noble Qur'an, 3) The content of Sūrat al-Insān, 4) Night Prayer (Tahajjud), 5) The Abrār (the Righteous), and 6) The guardianship (walāyah) of Imam Ali (AS). Employing a descriptive-analytical method, this study, after extracting, categorizing, and examining the commentators' opinions, seeks to identify the core message of the word "sabīl". The findings indicate that the term "sabīl" possesses two distinct semantic dimensions: 1) a primary, superficial dimension (the shell), and 2) a principal, core dimension. Based on evidence from the verses on the reward of prophethood, relevant narrations (riwāyāt), the surah's overarching objective, and the interconnection of its verses, it can be concluded that "affection and love for the Ahl al-Bayt (AS)" constitutes the principal and core dimension of "sabīl". Consequently, the first five views within the second category pertain to the primary and superficial dimension, while the sixth view, which emphasizes the guardianship of Imam Ali (AS), corresponds to the deeper and more concealed dimension of "sabīl."

DOI:

10.22051/tqh.2025.49801.4352

Publisher:

Faculty of Theology, Alzahra University, Tehran, Iran



بررسی تطبیقی مصداق «سبیل» در آیه ۲۹ سوره انسان

محمدحسین برومند^۱ امیر جودوی^۲ بتول علوی^۳

۱. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه یزد، یزد، ایران.

mhbaroomand@yazd.ac.ir / <https://orcid.org/0000-0003-0001-7817>

۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه یزد، یزد، ایران (نویسنده مسئول).

amirjoudavi@yazd.ac.ir / <https://orcid.org/0000-0003-1555-8464>

۳. دکتری تفسیر تطبیقی، پژوهشگر مستقل، شیراز، ایران.

b.alavi_84@yahoo.com / <https://orcid.org/0009-0006-9445-9040>

چکیده: مفسران در تعیین مصداق واژه‌ی «سبیل» در آیه «إِنَّ هَذِهِ تَذْكَرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَيْ رَبِّهِ سَبِيلًا» (الإنسان: ۲۹) دیدگاه‌های گوناگونی مطرح کرده‌اند. این دیدگاه‌ها به دو دسته اصلی قابل تقسیم است. دسته‌ی اول بر عام بودن مفهوم «سبیل» تأکید ورزیده‌اند و دسته‌ی دوم مصداق معین و مشخصی را برای آن برشمرده‌اند. مصداق مد نظر دسته‌ی دوم عبارت‌اند از: ۱. اطاعت از خداوند؛ ۲. قرآن کریم؛ ۳. محتوای سوره‌ی انسان؛ ۴. نماز شب؛ ۵. ابرار و ۶. ولایت حضرت علی (ع). پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی، پس از استخراج و دسته‌بندی و بررسی آراء مفسران، در پی شناسایی پیام اصلی واژه‌ی «سبیل» است. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که واژه‌ی «سبیل» دارای دو بُعد معنایی متمایز است: ۱- بُعد ابتدایی و پوسته‌ای و ۲- بُعد اصلی و هسته‌ای. با استناد به آیات اجر رسالت، روایات و هدف سوره و ارتباط آیات، می‌توان نتیجه گرفت که «مودت و محبت اهل بیت (ع)» بُعد اصلی و هسته‌ای «سبیل» را تشکیل می‌دهد. بنابراین، پنج دیدگاه نخست دسته‌ی دوم، در بُعد ابتدایی و پوسته‌ای قرار می‌گیرند، در حالی که دیدگاه ششم که بر ولایت امیرالمؤمنین (ع) تأکید دارد با بُعد عمیق‌تر و پوشیده‌تر «سبیل»، مطابقت دارد.

صص

۳۹-۶۶

دریافت:

۱۴۰۳/۱۱/۲۰

پذیرش:

۱۴۰۴/۰۳/۰۳

کلیدواژه‌ها:

سوره انسان،

سبیل،

مودت اهل بیت (ع)،

لفافه

10.22051/tqh.2025.49801.4352

:DOI

دانشکده الهیات دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

:ناشر:



۱. بیان مسئله

مفسران در مورد مصداق واژه‌ی «سبیل» در آیه «إِنَّ هَذِهِ تَذْكَرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَيْ رَبِّهِ سَبِيلًا» (الإنسان: ۲۹)، نظرات مختلفی مطرح کرده‌اند. برخی مفسران، «سبیل» را مفهومی کلی و عام تلقی کرده و از تعیین مصداق مشخص برای آن خودداری کرده‌اند (فضل‌الله، ۱۴۳۹ق، ج ۱۹، ص ۳۲۶). در مقابل بسیاری از مفسران سعی کرده‌اند مصداق معینی را برای این واژه بیان کنند از جمله: انجام واجبات و طاعات، قرآن کریم، مضامین مطرح شده در سوره‌ی انسان، ابرار و ولایت حضرت علی (ع) (ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۱۰، ص ۱۰۷؛ ابن‌کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۸، ص ۳۱۰؛ ابوالسعود، ۱۹۸۳م، ج ۹، ص ۷۶؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۲۰، ص ۶۹؛ بالیسانی، ۱۴۳۸ق، ج ۶، ص ۲۷۷۱؛ فیض‌کاشانی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۱۳۸۹).

تنوع دیدگاه‌ها و اهمیت مصادیق در تبیین معنای آیه، ضرورت انجام پژوهشی مستقل را در این زمینه آشکار می‌سازد. از این رو، این پژوهش درصدد است با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با هدف بررسی تطبیقی آراء مفسران، به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

۱. مفسران واژه‌ی «سبیل» را چگونه تفسیر کرده‌اند و مستندات آنها در این باره چیست؟

۲. کدام‌یک از این آراء قابل‌پذیرش است؟

۳. بررسی آیات اجر رسالت، روایات و نیز بررسی هدف سوره و ارتباط آیات، چه کمکی به گزینش آراء قابل‌قبول و تکمیل نظرات مفسران می‌کند؟

برای پاسخ به این پرسش‌ها، ابتدا آراء مفسران گردآوری، دسته‌بندی و واکاوی می‌شود. سپس با اتکا به شواهد قرآنی و روایی و با توجه به هدف سوره و ارتباط آیات، دیدگاه نهایی بیان می‌گردد.

۲. پیشینه‌ی پژوهش

آثار پژوهشی متعددی با محوریت سوره انسان نگاشته شده که در تمامی آنها، آیه بیست‌ونهم به اختصار و به صورت گذرا، بررسی خواهد شد. از جمله‌ی این آثار می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: ۱. مقاله «سوره انسان در تفاسیر المیزان علامه

طباطبایی و فی ظلال القرآن سید قطب»، اثر علی اشرف کرمی (۱۳۹۳)؛^۱ ۲. پایان‌نامه «تفسیر تطبیقی سوره انسان با تأکید بر تفاسیر المیزان، نورالثقلین، فی ظلال القرآن و الدر المنثور فی التفسیر المأثور» نگاشته زهرا محمدی (۱۳۹۴)؛^۲ ۳. مقاله «بررسی مقارنه‌ای سوره انسان در دو تفسیر اطیب البیان و مفاتیح الغیب» اثر زهره اخوان مقدم و لیلا خانی اوشانی (۱۳۹۶)؛^۳ ۴. مقاله «بررسی تطبیقی سوره مبارکه انسان بر اساس تفاسیر المیزان و روح المعانی» نوشته حکیمه زینلی و زهره اخوان مقدم (۱۳۹۶)؛^۴ ۵. پایان‌نامه «بررسی تطبیقی سوره دهر از نظر مفسران برگزیده فریقین» اثر غلام‌عباس عابدی (۱۴۰۱)؛^۵

برخی از پژوهش‌ها، بر ساختارشناسی سوره انسان متمرکز است، مانند: ۱. رساله «ساختارشناسی سوره انسان و تأثیر آن بر تفسیر آیات و تحلیل روایات شأن نزول سوره» اثر مریم نساج (۱۳۹۰)؛^۶ ۲. مقاله «بررسی ساختار سوره انسان و دسته‌بندی آیات آن» نوشته مریم نساج و عباس اسماعیل‌زاده (۱۳۹۰)؛^۷

همچنین برخی از مقالات به بررسی روایات سبب نزول، جایگاه ابرار و ارتباط این سوره با اهل بیت (ع)^۸ اختصاص یافته است؛ مانند: ۱. مقاله «بررسی تطبیقی تفسیر سوره انسان از دیدگاه فریقین» از نصرت الله وهابی فر (۱۴۰۱)؛^۸ ۲. پایان‌نامه «بررسی تطبیقی تفسیر سوره انسان از دیدگاه فریقین» از راضیه کبیرآبیز (۱۴۰۱)؛^۹ نتایج بررسی‌ها حاکی از آن است که تاکنون مطالعه‌ای مستقل و روشمندی صورت نگرفته است که به تحلیل دیدگاه‌های مفسران در این زمینه پرداخته باشد، از این رو، پژوهش حاضر از این جهت بدیع به حساب می‌آید.

۱. اندیشه تقریب، بهار ۱۳۹۳، ۸(۳۱)، صص ۳۳-۵۰.

۲. دانشگاه الزهراء، دانشکده الهیات، [کارشناسی ارشد].

۳. مطالعات تفسیر تطبیقی، بهار و تابستان ۱۳۹۶، ۲(۳)، صص ۵۱-۷۶.

۴. سومین کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

۵. جامعه المصطفی العالمیه، واحد اصفهان، [کارشناسی ارشد].

۶. دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، استاد راهنما: عباس اسماعیلی‌زاده، استاد مشاور:

محمدحسن رستمی.

۷. کتاب قیام، پاییز ۱۳۹۰، ۱(۳)، صص ۳۵-۵۶.

۸. هفتمین کنفرانس بین‌المللی مطالعات میان‌رشته علوم انسانی و اسلامی ایران.

۹. دانشگاه پیام نور استان خراسان رضوی، مرکز پیام نور نیشابور.

۳. دسته‌بندی اظهارنظرهای مفسران

عده‌ای از مفسران صرفاً تفسیری از کل آیه ارائه نموده‌اند و از بیان مصداق واژه‌ی «سبیل» چشم‌پوشی کرده‌اند.^۱ در مقابل اکثر مفسران به بررسی مصداق این واژه پرداخته و دیدگاه‌های گوناگونی ارائه کرده‌اند.^۲ این مفسران به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند: دسته‌ای، «سبیل» را مفهومی عام و گسترده دانسته‌اند که قابلیت انطباق با مصداق متعدد را دارد. دسته دیگر، در پی یافتن مصداقی مشخص برای این واژه برآمده و دامنه معنایی آن را به نمونه‌های معینی محدود ساخته‌اند.^۳

پیش از ورود به بحث، ذکر این نکته ضروری است که عده‌ای از مفسران با توجه به تفاوت سیاق میان بخش دوم سوره انسان (آیات ۲۳ تا ۳۱) و بخش نخست آن (آیات ۱ تا ۲۲)، احتمال داده‌اند که این سوره از دو بخش مستقل تشکیل شده باشد. آیه مورد بحث این پژوهش (آیه ۲۹) نیز در بخش دوم واقع شده است (نک: خازن، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۳۷۶؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۲۰، ص ۱۴۰؛ قرشی، ۱۳۷۷، ج ۱۱، ص ۴۸۳؛ جوادی آملی، ۱۳۹۸).

علامه طباطبایی در مورد بخش دوم می‌گوید: «سیاق آن بی‌شبهت به سیاق آیات مکی نیست و اگر فرض شود که سوره مکی است، صدر آن مدنی و ذیل آن مکی است» (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۲۰، ص ۱۴۰؛ نک: جوادی آملی، ۱۳۹۸).

بلاغی نیز سوره انسان را به سه بخش تقسیم کرده است. وی آیات ۱-۴ را مکی، آیات ۵-۲۲ را مدنی و آیات ۲۳-۳۱ را مجدداً مکی در نظر گرفته است (بلاغی، ۱۳۴۴، ج ۷، ص ۱۳۷).

۱. حدود چهل‌وشش تفسیر، ر.ک: فراء، معانی القرآن، ج ۳، ص ۲۲۰؛ سمرقندی، تفسیر السمرقندی، ج ۳، ص ۵۳۰؛ ابنعطیه، المحرر الوجیز، ج ۵، ص ۴۱۵؛ فخر رازی، التفسیر الکبیر، ج ۳۰، ص ۷۶۱؛ ابنجوزی، زاد المسیر فی علم التفسیر، ج ۴، ص ۳۵۶؛ سید قطب، فی ظلال القرآن، ج ۶، ص ۳۷۸۷ و ...

۲. حدود صد و سه تفسیر.

۳. عده‌ای از مفسران، کلماتی همچون: «رضا» (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۳، ص ۵۷۸؛ طوسی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۲۲۱؛ طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۰، ص ۶۲۴؛ شبر، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۳۳۶؛ خسروانی، ۱۳۹۰ق، ج ۸، ص ۴۵۳)؛ «وسیله» (ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۱۰، ص ۱۰۷؛ میبیدی، ۱۳۷۱، ج ۱۰، ص ۳۲۷؛ بغوی، ۱۴۲۰ق، ج ۵، ص ۱۹۵)؛ «ثواب» (میبیدی، ۱۳۷۱، ج ۱۰، ص ۳۲۷؛ آلوسی، ۱۳۸۲، ج ۱۵، ص ۱۸۴)؛ «جنة» (شوکانی، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۴۲۷) و «رحمة» (بالیسانی، ۱۴۳۸ق، ج ۶، ص ۲۷۷) را به عنوان محذوف برای «ربه» بیان کرده‌اند.

۳-۱. دسته اول

شماری از مفسران، مفهوم «سبیل» را عام تلقی کرده و از تعیین مصداق خاص برای آن پرهیز کرده‌اند. به عنوان مثال، علامه فضل‌الله (۱۴۳۹ق) بر این عقیده است که راه‌های رسیدن به خدا به تعداد نفوس خلائق، متفاوت و متعدد است (ج ۱۹، ص ۳۲۶). صادقی تهرانی (۱۴۰۶ق) نیز بر این باور است که راه‌های رسیدن به خدا متعدد است و هر فرد به میزان سعی خود، راهی را طی می‌کند؛ همان‌طور که در آیه‌ی شریفه «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (النجم: ۳۹) آمده است (ج ۲۹، ص ۳۲۸).

۳-۲. دسته دوم

آراء مختلف مفسران را در مورد مصداق واژه‌ی «سبیل»، می‌توان به شش دسته تقسیم کرد:

۳-۲-۱. اطاعت از خداوند^۱

بیشتر مفسران (با توجه به محتوای آیات پیشین) «سبیل» را به معنای انجام واجبات و طاعات الهی تفسیر کرده‌اند. با وجود این اتفاق نظر کلی، تفاوت‌هایی جزئی در برداشت‌های آنها مشاهده می‌شود. برای نمونه، ثعلبی (۱۴۲۲ق)، اطاعت را به عنوان مصداق «سبیل» معرفی کرده و تأکید می‌کند که اطاعت، وسیله‌ای برای تقرب به خداوند متعال است (ج ۱۰، ص ۱۰۷). بسیاری از مفسران دیگر نیز همین دیدگاه را اتخاذ کرده و اطاعت از خداوند را به عنوان مصداق بارز «سبیل» ذکر کرده‌اند (برای نمونه، رک. بغوی، ۱۴۲۰ق، ج ۵، ص ۱۹۵؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۶۷۴؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۵، ص ۲۷۳؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۹، ص ۱۵۲؛ ابوحیان، ۱۴۲۰ق، ج ۱۰، ص ۳۷۰؛ فیض کاشانی، ۱۳۷۳، ج ۵، ص ۲۶۶؛ آلوسی، ۱۳۸۲، ج ۱۵، ص ۱۸۴؛ قاسمی، ۱۴۱۸ق، ج ۹، ص ۳۷۹؛ ثقفی تهرانی، بی تا، ج ۵، ص ۳۲۲).

۱. عده‌ای از مفسران تلاش کرده‌اند، مصداق دیگری را به عنوان اصلی‌ترین مسیر به سوی خداوند برشمارند، مانند: عمل صالح (طبرانی، ۲۰۰۸م، ج ۶، ص ۴۱۲)؛ توبه (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۲۹، ص ۳۸۲). جمعی دیگر نیز به چندین مصداق اشاره کرده‌اند، مانند: اطاعت، ایمان، توبه و پیروی از رسولان (میبیدی، ۱۳۷۱، ج ۱۰، ص ۲۱۷)؛ ایمان، پیروی از پیامبر (ص) و پرهیز از گناهان و اعمال صالح (حلی، ۱۴۳۵ق، ص ۶۵۹)؛ اطاعت، ذکر دائم، اخلاص و پیروی از پیامبر (ص) (پانی پتی، ج ۱۰، ص ۱۶۳)؛ ایمان، اخلاق نیکو و اعمال صالح (طیب، ۱۳۷۸، ج ۱۳، ص ۳۳۲).

از سوی دیگر، قتاده «سبیل» را به معنای عمل به فرامین الهی و پایبندی به اوامر و نواهی خداوند دانسته است (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۳، ص ۵۷۸). این دیدگاه از سوی برخی مفسران مورد پذیرفته شده است. از نگاه آنها، کسی که خواهان رسیدن به تقرب، ثواب یا رضای الهی است، باید به دستورات الهی عمل کند و از گناهان اجتناب ورزد^۱ (برای نمونه، رک. نحاس، ۱۴۲۱ق، ج ۵، ص ۷۰؛ طوسی، بی تا، ج ۱۰، ص ۲۲۱؛ طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۰، ص ۶۲۴؛ ابوالفتوح رازی، ۱۳۷۱ق، ج ۲۰، ص ۹۳؛ کاشانی، ۱۳۳۶ق، ج ۱۰، ص ۱۰۹؛ مراغی، ۱۳۷۱ق، ج ۲۹، ص ۱۷۶؛ زحیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۹، ص ۳۰۷؛ شاه‌العظیمی، ۱۳۶۳ق، ج ۱۳، ص ۴۲۴).

در نگاه عده‌ای دیگر، مصداق «سبیل» معادل ایمان و اطاعت است؛ بدین معنا که ایمان به خداوند و عمل به دستورات الهی، همان راه رسیدن به خداوند است (واحدی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۴۰۴؛ رسعی، ۱۴۲۹ق، ج ۸، ص ۳۴۱؛ شوکانی، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۴۲۷؛ صدیق‌حسن‌خان، ۱۴۲۰ق، ج ۷، ص ۳۱۰؛ شحاته، ۱۴۲۱ق، ج ۲۹، ص ۶۲۴).

برخی دیگر نیز، اطاعت از خداوند و تبعیت از پیامبران، به‌ویژه پیامبر اکرم (ص) را مصداق «سبیل» تلقی کرده‌اند (نسفی، ۱۴۱۶ق، ج ۴، ص ۴۷۰؛ ابن‌عجیبه، ۲۰۱۰م، ج ۸، ص ۲۰۴؛ پانی پتی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۰، ص ۱۶۳؛ حوی، ۱۴۲۴ق، ج ۱۱، ص ۶۲۹).

۳-۲-۲. قرآن کریم

قرآن کریم یکی دیگر از مصادیقی است که برخی مفسران، آن را برای واژه‌ی «سبیل» مطرح کرده‌اند^۲ (ابن‌کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۸، ص ۳۱۰؛ نهاوندی، ۱۳۸۶ق، ج ۶، ص ۳۹۸؛ امین، بی تا، ج ۱۴، ص ۲۵۲؛ زحیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۹، ص ۳۰۷؛ حوی، ۱۴۲۴ق، ج ۱۱، ص ۶۲۹).

۱. گروهی از مفسران، عبارت «فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذْ...» را دلالت بر استطاعت قبل از فعل قلمداد کرده‌اند (طوسی، بی تا، ج ۱۰، ص ۲۲۱؛ طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۰، ص ۶۲۴؛ کاشانی، ۱۳۳۶ق، ج ۱۰، ص ۱۰۹؛ شاه‌العظیمی، ۱۳۶۳ق، ج ۱۳، ص ۴۲۴).

۲. امین (بی تا)، افزون بر قرآن، شریعت پیامبر اکرم (ص) را نیز به‌عنوان یکی از مصادیق «سبیل» مطرح کرده و بر این باور است که تعلیمات قرآن و عمل به آموزه‌های قرآن و شریعت اسلامی، نزدیک‌ترین مسیر به سوی حق تعالی، تقرب

این برداشت، از قرینه‌ای که در صدر آیه آمده، نشأت می‌گیرد. آیه با جمله «إِنَّ هَذِهِ تَذْكَرَةٌ» آغاز می‌شود که به معنای یادآوری و اندرز است. مفسران مذکور، اسم اشاره «هذه» را ناظر به قرآن دانسته و بر این اساس، قرآن را به عنوان مصداق «سبیل» معرفی کرده‌اند.

۳-۲-۳. محتوای سوره انسان

برخی مفسران محتوای سوره انسان را برنامه‌ای جامع برای سعادت انسان دانسته‌اند. به اعتقاد آنان، این سوره راهی کامل برای پیمودن مسیر قرب الهی، دستیابی به ثواب و رسیدن به رشد و هدایت را ترسیم می‌کند (ابوالسعود، ۱۹۸۳م، ج ۹، ص ۷۶؛ خطیب، ۱۴۲۴ق، ج ۱۵، ص ۱۳۸۶؛ نجفی، ۱۳۹۸ق، ج ۱۹، ص ۳۹۱). از جمله این مفسران، ابوالسعود (۱۹۸۳م) است که می‌گوید: «هر فرد می‌تواند با عمل به آموزه‌های مطرح‌شده در آیات این سوره، به خداوند تقرب بجوید»^۱ (ج ۹، ص ۷۶). این برداشت مبتنی بر قرینه صدر آیه یعنی «إِنَّ هَذِهِ تَذْكَرَةٌ» است. مفسران فوق، منظور از «هذه» را محتوای کل سوره دانسته و بر این اساس نتیجه گرفته‌اند که تمامی مباحث و آموزه‌های سوره انسان، مصداق «سبیل» است.^۲

۳-۲-۴. نماز شب

شماری از مفسران همچون علامه طباطبایی و حسینی همدانی، مقصود از سبیل را نماز شب دانسته‌اند (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۲۰، ص ۶۹؛ حسینی همدانی، ۱۳۸۰، ج ۱۷، صص ۲۶۸-۲۶۹).

به او و دستیابی به رضایت الهی است. وی در این زمینه به سخنی از پیامبر اکرم (ص) استناد می‌کند که در آن، شریعت اسلام به خط مستقیمی تشبیه شده که به سوی خداوند کشیده شده است (ج ۱۴، ص ۲۵۲).

۱. ابوالسعود (۱۹۸۳م)، هذه را اشاره به آیات قبل نیز می‌داند (ج ۹، ص ۷۶).

۲. خطیب (۱۴۲۴ق) در تفسیر خود، به‌طور ضمنی، موضوعاتی همچون توجه به اصل آفرینش انسان، تصویری از سرانجام انسان در آخرت، دعوت پیامبر (ص) به حضور در پیشگاه الهی و گفت‌وگوی مستقیم خداوند با پیامبر (ص) را از جمله مهم‌ترین مباحث سوره برمی‌شمارد (ج ۱۵، ص ۱۳۸۱). نجفی (۱۳۹۸ق) هم محتوای سوره انسان را شامل آفرینش انسان، مسئله هدایت و اختیار انسان، پاداش ابرار و نیکان (با اشاره به شأن نزول اهل بیت (ع))، دلایل شایستگی ابرار برای دریافت پاداش‌ها، اهمیت قرآن و راه خودسازی و حاکمیت و مشیت الهی می‌داند (ج ۱۹، ص ۳۷۸).

علامه طباطبایی (۱۳۹۰ق) با استناد به آیه نوزدهم سوره مزمل: «إِنَّ هَذِهِ تَذْكَرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا» که دقیقاً مشابه آیه ۲۹ سوره انسان است، «سبیل» را به نماز شب تعبیر کرده است. وی با توجه به محوریت نماز شب در سوره مزمل، این عمل عبادی را به عنوان معنای «سبیل» تلقی نموده و میان این دو آیه پیوند معنایی برقرار ساخته است. افزون بر این، علامه جمله «وَسَبَّحَهُ لَيْلًا طَوِيلًا» (انسان: ۲۶) را که به نماز شب اشاره دارد، تأییدی بر برداشت خود می‌داند و نتیجه می‌گیرد که نماز شب راه ویژه‌ای است که انسان را به سوی پروردگارش هدایت می‌کند (ج ۲۰، ص ۶۹).

حسینی همدانی (۱۳۸۰) نیز بر اهمیت تهجد و بیداری در آخر شب و قیام به ادای نماز تأکید می‌کند و معتقد است که نماز شب تأثیر ویژه‌ای در پیمودن مسیر عبودیت الهی دارد (ج ۱۷، ص ۲۶۸).

۳-۲-۵. ابرار

در برخی تفاسیر متأخر، «سبیل» به معنای راه ابرار تفسیر شده است؛ چرا که آیاتی از این سوره به اعمال و ویژگی‌های ابرار اشاره دارد. صاحب تفسیر حسن‌البیان می‌نویسد: «هر کس خواهان بهشت و نعمت‌های آن است، باید راهی را که راه ابرار است و پیش‌تر از آنان یاد شده، برگزیند و بپیماید» (بالیسانی، ۱۴۳۸ق، ج ۶، ص ۲۷۷). با این حال، مفسر توضیحی درباره‌ی مصداق ابرار ارائه نکرده و تنها به تعریف لغوی این واژه بسنده کرده است (بالیسانی، ۱۴۳۸ق، ج ۶، ص ۲۷۷).

۳-۲-۶. ولایت حضرت علی^(ع)

شماری از مفسران شیعه، بر اساس روایتی از امام کاظم^(ع)، ولایت حضرت علی^(ع) را به عنوان مصداق «سبیل» معرفی کرده‌اند (فیض کاشانی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۱۳۸۹؛ شبر، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۳۳۶؛ اشکوری، ۱۳۷۳، ج ۴، ص ۶۷۳؛ ثقفی تهرانی، بی‌تا، ج ۵، ص ۳۲۲).

۴. بررسی آراء مفسران

اولاً؛ در نقد دیدگاه مفسرانی که آیه بیست و نهم را به دلیل قرارداد داشتن در بخش دوم، غیرمرتبط و مستقل از بخش نخست تلقی کرده‌اند، باید گفت بر فرض اینکه بخش اول مدنی و بخش دوم مکی باشد، این تفاوت در محل نزول، خدشه و لطمه‌ای به اصل ارتباط آیات وارد نمی‌کند و نزول پراکنده ربطی به ترتیب میان آیات ندارد. ترتیب نزول با توجه به شرایط زمانه به وجود آمده و بر اساس نیاز اجتماعی شکل گرفته است، به همین دلیل نظم منطقی ندارد، اما ترتیب منطقی مبتنی بر حکمت الهی است که تمام عصرها و نسل‌ها را در بر می‌گیرد.

همان‌گونه که خداوند فرموده است: «بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَّجِيدٌ. فِي لَوْحٍ مَّحْفُوظٍ» (البروج: ۲۱-۲۲). اصل قرآن مشخص و ثابت است و بعد از آن که این اصل ثابت و روشن، به میان مردم آمد، خداوند وعده حفظ آن را داده است: «لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ» (فصلت: ۴۲).

ثانیاً؛ در مقام بررسی آراء مفسران باید گفت مفسران دسته اول با اذعان به گستردگی مفهوم سبیل و عدم تعیین مصداق مشخص، از هدف و پیام اصلی آیه فاصله گرفته‌اند. این رویکرد، ناشی از توجه نداشتن به ارتباط (حقیقی) آیه مذکور با آیات پیشین است که سبب شده مفسر نتواند به پیام اصلی آیه دست یابد، هر چند ممکن است در ظاهر از ارتباط سخن گفته باشد. در حالی که توجه به این امر می‌تواند مقصود آیه را روشن کند. مفسران دسته دوم، نخستین مفهومی را که به ذهنشان رسیده، به عنوان مصداق «سبیل» مطرح کرده‌اند. برای مثال، اولین مصداقی که به ذهن علامه طباطبایی خطور کرده، نماز شب است. در صورتی که در سوره مزمل، علاوه بر سفارش به نماز شب، به صبر نیز سفارش شده است: «وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ...» (المزمل: ۱۰). همچنین در سوره انسان، فرمان به صبر آمده است: «فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ» (الإنسان: ۲۴). افزون بر این، در همین سوره نیز سفارش به قرآن مشاهده می‌شود.

بنابراین، با اندکی دقت و تأمل در مصادیق مختلف، روشن می‌گردد، «سبیل»، لزوماً و به طور قطعی به نماز شب اشاره ندارد و می‌تواند مصادیقی همچون: صبر،

قرآن، عبادت، رحمت نسبت به خلق و تواضع را در برگیرد؛ چون این موارد همگی می‌توانند به‌عنوان راه‌هایی به سوی خداوند متعال تلقی شوند: «وَ الَّذِینَ جَاهَدُوا فِینَا لَنَهْدِیَنَّهُمْ سُبُلَنَا» (العنکبوت: ۶۹).

با توجه به اینکه آیه «سبیل» در فضایی ویژه و مرتبط با اهل‌بیت^(ع) قرار دارد، معنایی فراتر از مصادیق مذکور دارد. از این منظر، برای واژه‌ی «سبیل» می‌توان دو بُعد معنایی متمایز در نظر گرفت: ۱. بُعد ابتدایی و پوسته‌ای و ۲. بُعد دوم، اصلی و هسته‌ای. بُعد ابتدایی در حقیقت لفافه‌ای است که بُعد اصلی و هسته‌ای را در برگرفته و به‌نوعی پوشش برای آن محسوب می‌شود.

با در نظر گرفتن این دو بُعد معنایی، می‌توان دیدگاه‌های مفسران را درباره‌ی واژه‌ی «سبیل» در دو دسته جای داد. برداشت‌هایی مانند اطاعت از خداوند، قرآن کریم، محتوای سوره انسان، نماز شب و ابرار، همگی در بُعد نخست قرار می‌گیرند؛ زیرا راه‌های گوناگونی برای رسیدن به حق وجود دارد. هنگامی که «سبیل» به جانب خداوند معنا پیدا می‌کند، هر یک از مصادیق فوق می‌تواند به معنای سبیل باشد. اما ولایت حضرت علی^(ع) در بُعد دوم قرار می‌گیرد. مصداقی که جامع‌ترین و عمیق‌ترین برداشت از واژه‌ی «سبیل» به شمار می‌آید و به بُعد اصلی و هسته‌ای نزدیک‌تر است. این برداشت، با فضای کلی سوره که مختص اهل‌بیت^(ع) است، سازگاری دارد.

هرچند مصداق «ابرار» می‌توانست در بُعد دوم قرار بگیرد، ولی مفسر هیچ‌گونه ارتباطی میان این مفهوم و اهل‌بیت^(ع) برقرار نکرده و بیشتر بر جنبه‌های عمومی این مصداق تأکید کرده است؛ به همین دلیل، در همان بُعد نخست باقی می‌ماند. در نتیجه، گرچه مواردی مانند اطاعت از خداوند، قرآن کریم، محتوای سوره انسان، نماز شب و ابرار به‌عنوان مصادیق «سبیل» مطرح شده‌اند، اما همگی جنبه‌ی فرعی دارند و مصداق اصلی این واژه، در ارتباط با اهل‌بیت^(ع) تحقق می‌یابد.

۵. دیدگاه برگزیده

این مطالعه باتکیه بر تفسیر قرآن به قرآن (آیات اجر رسالت)، بهره‌گیری از روایات و توجه به فضای کلی سوره انسان، از میان تمام راه‌ها (سبل)، مصداق اصلی «سبیل»

را مودت اهل بیت^(ع) می‌داند. دیدگاه برگزیده در مقایسه با دیدگاه ششم از دسته دوم که به‌عنوان بهترین نظر شناخته می‌شود، نقش مکمل را بر عهده دارد.

۵-۱. آیات اجر رسالت

تمامی پیامبران پیشین، پاداش رسالت خویش را تنها از خداوند متعال طلب کرده‌اند و هرگز از مردم مزدی نخواستند. این موضوع در قرآن کریم به‌صراحت بیان شده است: «وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ» (الشعراء: ۱۰۹، ۱۲۷، ۱۴۵، ۱۶۴، ۱۸۰). اما در میان تمام پیامبران، تنها پیامبر خاتم^(ص) است که از مردم درخواست اجر و پاداش نموده است: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ» (الشوری: ۲۳). این آیه با فعل امر «قُلْ» آغاز می‌شود که نشان‌دهنده‌ی سخن مستقیم خداوند است، به این معنا که پیامبر^(ص) تنها مأمور به ابلاغ این فرمان الهی است و نقش او در اینجا فقط رساندن پیام است.

این‌همه تأکید بر مودت قریبی در این آیه، به این دلیل است که فایده‌اش به‌طور مستقیم به خود مردم بازمی‌گردد، چنان‌که فرزندی به پدر خویش می‌گوید: «پدر جان، از من چه می‌خواهی؟» و پدر در پاسخ بگوید: «من از تو هیچ چیز نمی‌خواهم جز آنکه، درس‌هایت را بادقت و دُرست فراگیری».

در حقیقت، این خواسته پدر ناشی از شدت علاقه به فرزندش است. خواسته و کمال مطلوب پیامبر^(ص) هدایت امت خویش است و پیروی از اهل بیت^(ع) به نفع مردم است؛ چون آنها ادامه‌دهنده راه پیامبر^(ص) هستند و وسیله‌ای برای هدایت مردم، به شمار می‌روند (برومند و جودوی، ۱۳۸۵، ص ۲۶۷). این حقیقت در آیه‌ای از سوره سبأ تجلی یافته است: «قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ» (سبأ: ۴۷). در این آیه، جمله «فَهُوَ لَكُمْ» بیانگر این است که آن اجر را که پیامبر^(ص) از مردم درخواست کرده، به نفع خود آنها است.

هرچند پاداش پیامبر^(ص) مانند سایر پیامبران بر عهده خداوند است، اما استثنا شدن پیامبر^(ص) به این خاطر است که پس از او دوران نبوت به پایان رسیده و کسی به‌عنوان پیامبر از طرف خداوند نخواهد آمد. ختم نبوت، نقطه تمایز پیامبر اکرم^(ص)

با دیگر انبیا است. به همین دلیل، درخواست وی نیز با درخواست پیامبران پیشین متفاوت بوده است.

با پایان یافتن دوره‌ی رسالت، دوران امامت آغاز می‌شود و اهل‌بیت^(ع) به‌عنوان امامان و جانشینان پیامبر^(ص)، مسئولیت هدایت امت را بر عهده می‌گیرند. این موضوع، حاکی از تفاوت بین آخرین پیامبر و سایر پیامبران است که موجب شده درخواست او متمایز شود.

به تعبیر دیگر، پیامبر^(ص) به‌عنوان خاتم‌النبیین شناخته می‌شود؛ زیرا موفق شده مسیر هدایت الهی را از مرحله رسالت به مرحله امامت ارتقا دهد. امامت، مرحله‌ای پیشرفته‌تر و بالاتر از نبوت در هدایت انسان‌هاست، چنان‌که آیه «وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا» (البقرة: ۱۲۴) بر این برتری دلالت دارد. حضرت ابراهیم^(ع) پیش از آزمون‌های دشوار الهی، عهده‌دار مقام رسالت بود، اما پس از امتحانات و موفقیت او در آنها، به مقام امامت نائل شد. این امر بیانگر آن است که امامت، مرحله‌ای بالاتری از رسالت است. پس از پیامبر اکرم^(ص)، مسئولیت هدایت مردم به اهل‌بیت^(ع) سپرده شده است. مطابق وعده‌های خداوند، امامت در میان ذریه ابراهیم^(ع) تحقق یافته و از طریق اهل‌بیت پیامبر^(ص) ادامه می‌یابد.

امامت در اصل مرحله شکوفایی رسالت است. اگر نبوت را به یک درخت تشبیه کنیم، امامت میوه آن درخت خواهد بود. نبوت، با امامت، به ثمر می‌رسد و محصولی بسیار عالی به همراه دارد (جودوی و فقیهی، ۱۴۰۳، ص ۳۸۷).

با مقایسه و کنار هم قرار دادن دو آیه «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ» (الشوری: ۲۳) و «قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَيَّ رَبَّهُ سَبِيلًا» (الفرقان: ۵۷)، می‌توان دریافت که عبارت «مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَيَّ رَبَّهُ سَبِيلًا» دقیقاً معادل «الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ» است.

از یک سو در آیه اول آمده است که پیامبر^(ص) جز مودت و محبت خویشاوندان خود، هیچ‌گونه اجری نمی‌خواهد و از سوی دیگر در آیه دوم تصریح شده است که اجر رسالت تنها برای کسی است که بخواهد راهی به سوی پروردگار در پیش گیرد. به عبارت دیگر، در آیه نخست، «الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ» به‌عنوان تنها خواسته پیامبر^(ص)

مطرح شده است و در آیه دوم، «مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَيَّ سَبِيلًا» جایگزین آن شده است.

با تأمل در این دو آیه، می‌توان فهمید عبارت «مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَيَّ سَبِيلًا» همان مفهومی را می‌رساند که در آیه‌ی نخست با تعبیر «الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» بیان شده است. یعنی مودت قریبی مساوی است با سبیل و راهی که انسان بخواهد به جانب پروردگار در پیش گیرد. لذا، اگر فرد مسلمان بخواهد، راهی را برای رسیدن به پروردگارش برگزیند، آن راه اهل‌بیت^(ع) و اعمال محبت نسبت به خویشاوندان پیامبر (ص) و پیروی از آنان است.

با استفاده از آیات اجر رسالت، لفافه‌ای (سرپوشی) زیبا و ظریف به کار گرفته شده تا به وسیله‌ی آن بتوان به مقصود اصلی دست پیدا کرد.

اکنون که مشخص گردید «سبیل» بر مودت اهل‌بیت^(ع) متکی است، می‌توان به پیام اصلی «سبیل» در آیه بیست‌ونهم پی برد. مقصود از «سبیل» در اینجا، مودت قریبی است. این عالی‌ترین مصداق «سبیل» به شمار می‌آید که با فضای کلی سوره انسان نیز هم‌خوانی دارد.^۱

لازم به ذکر است که نمی‌توان مودت ابرار^(ع) را داشت، ولی از آنها پیروی نکرد. زمانی که سخن از محبت قریبی و ابرار به میان می‌آید، به دنبال آن، پیروی از آنها هم مطرح می‌شود. پیام اصلی سوره نیز تأکید بر همین پیروی است.

خداوند متعال در قرآن کریم، اهل‌بیت^(ع) را به شکل‌های گوناگون معرفی کرده است. گاه از آنان با عنوان «عباد مکرّم» یاد می‌کند (الأنبياء: ۲۶)، گاه در زمره «سابقون» و «مقربون» قرارشان می‌دهد (الواقعة: ۱۰-۱۱) و گاه با تعبیر «مطهرون» از آنان سخن می‌گوید (الأحزاب: ۳۳)، اما در سوره‌ی انسان، تأکید بر «ابرار» بودن ایشان است.

۵-۲. روایات

در منابع روایی، «سبیل» به معنای ولایت و پیروی از معصوم^(ع) آمده است. به‌عنوان نمونه، در روایتی از امام موسی کاظم^(ع)، ذیل آیه «إِنَّ هَذِهِ تَذَكُّرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَيَّ

۱. در قسمت هدف سوره و ارتباط آیات به آن پرداخته خواهد شد.

رَبِّهِ سَبِيلًا» (الإنسان: ۲۹)، به صراحت بیان شده است که مقصود از «سبیل»، ولایت امیرالمؤمنین، حضرت علی^(ع) است (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۴۳۵). همین معنا در دعای ندبه نیز بازتاب یافته است: «فَكَانُوا هُمُ السَّبِيلَ إِلَيْكَ وَ الْمَسْلَكَ إِلَى رِضْوَانِكَ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۱۰۲). در این فراز، اهل بیت^(ع)، به عنوان «سبیل» و راه رسیدن به قرب الهی معرفی شده‌اند. بنابراین، این برداشت از واژه‌ی «سبیل» کاملاً با روایات هماهنگ است.

۵-۳. توجه به هدف سوره و ارتباط آیات

بررسی فضای کلی سوره انسان می‌تواند در شناسایی پیام اصلی واژه‌ی «سبیل» نقش مؤثری ایفا کند. پیام و هدف اصلی این سوره، «ابرار^(ع)» است و از دو بخش آیات تشکیل شده است:

- الف - بخش اول (آیات ۱ تا ۲۲): این بخش به معرفی مقام و منزلت ابرار^(ع)، نحوه‌ی عملکردشان در دنیا و پاداش آنها در آخرت می‌پردازد.
- ب - بخش دوم (آیات ۲۳ تا ۳۱): این بخش، به مودت ابرار^(ع) و پیروی از آنها اختصاص دارد.

۵-۳-۱. بخش اول

در ابتدای سوره انسان، سخن از «شیء مذکور» بودن انسان به میان آمده است. عالی‌ترین مرتبه‌ی «مذکور واقع شدن» انسان با ظهور انسان کامل محقق می‌شود. این ظهور موجب معنا پیدا کردن انسان در میان تمام کائنات و همه مخلوقات عالم می‌گردد. به همین دلیل، پرسش ابتدای آیه در مقام بیان اعجاب و تعجب از ظهور زود هنگام ابرار^(ع) است. پس از نگاهی به برترین انسان‌ها، به خلقت عموم انسان‌ها از نطفه اشاره می‌کند: «إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا». سپس، بحث هدایت فطری را مطرح می‌کند و نقش اختیار و عکس‌العمل انسان در برابر این هدایت، در قالب چهار گروه: کافر؛ کفور؛ شاکر و شکور به نمایش می‌گذارد. گرچه در ظاهر، آیه دو دسته شاکر و کفور را ذکر کرده، اما در حقیقت، به چهار دسته اشاره کرده است؛ بدین نحو که در آیه چهارم از کافران نام می‌برد: «إِنَّا

أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلَاسِلَ وَأَعْلَالًا وَ سَعِيرًا^۱. از افراد شکور نیز در قالب ابرار^(ع) یاد نمود و به صورت مستقیم از لفظ شکور استفاده نکرد تا به اعمالی اشاره کند که تحقق شکرگزاری ابرار^(ع) است: «إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا».

از آیه پنجم به بعد، به توصیف تفصیلی ابرار^(ع) می‌پردازد و رفتار، نیات و حالات آنان در دنیا و سرانجامشان را در آخرت ترسیم می‌کند. این تفصیل ماجرای ابرار^(ع) و اجمال عاقبت کافران نشان می‌دهد، پیام اصلی این سوره حول محور ابرار^(ع) شکل گرفته است و آیات پیشین (۴ آیه اول) نقش مقدمه برای ورود به بحث اصلی را ایفاء می‌کند. به همین سبب، سخن از عاقبت کافران را مقدم نمود تا ضمن تکمیل بحث وارد محور اصلی کلام شود^۲.

در آیه پنجم، اولین ویژگی ابرار^(ع) را نوشیدن از جامی بیان می‌کند که با کافور آمیخته است. اراده و قابلیت ویژه آنها را با فعل مضارع «يَشْرَبُونَ» (بدون س و سوف) می‌آورد و پیامد اعمال آنها را بازگو می‌کند و متعاقب آن، از عبودیت و بندگی ایشان سخن می‌گوید تا توهم خدایی بودن آنها را بزدايد. سپس، از طرز رفتارشان در این دنیا خبر می‌دهد که زمینه‌ساز چنین نتایج عالی شده است: «يُوفُونَ بِالنَّذْرِ». خشیت آنها در برابر خداوند و شفقت و مهربانی‌شان در ارتباط با خلق خدا و نهایت اخلاص و صفای باطنشان را بیان می‌کند: «... وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا. إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ...». پس از آن، به پیامد و نتیجه اعمال ابرار^(ع) می‌پردازد: «فَوَقَّاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّاهُمْ نَضْرَةً وَسُرُورًا» و در ادامه ذکر نتیجه اعمال، از پاداش صبر آنها سخن می‌گوید: «وَجَزَاهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَ حَرِيرًا». به دنبال آن، جنت و حریر را به طور جداگانه و مفصل شرح می‌دهد.

نکته‌ای که در این آیات جلب توجه می‌کند، حاکمیت اراده ابرار در بهشت است که با عبارات «يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا» و «قَدَّرُوهَا تَقْدِيرًا» آشکار شده و با تعبیر «مُلْك

۱. از طریق استطراد، گزارشی اجمالی از عاقبت کافران در آخرت عرضه شده است.

۲. ارتباط این آیه با آیات پیشین، از نوع «حسن مطلع» است؛ بدین گونه که با روشی زیبا از مقدمات عبور کرده و کلام را به سوی هدف اصلی سوق می‌دهد.

کبیر»^۱ به اوج می‌رسد و نقش فراتر از تصور اراده آنها را بیان می‌کند. قسمت پایانی این بخش: «... وَ سَفَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَّابًا طَهُورًا. إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَ كَانَ سَعْيِكُمْ مَشْكُورًا» حاکی از این است که عالی‌ترین و بالاترین پاداش ابرار^(ع) این است که خداوند، خود، ساقی آنها است و این به معنای کمال عشق خداوند نسبت به ابرار است (جودوی و فقیهی، ۱۴۰۳، ص ۴۸۳-۴۸۴).

۲-۳-۵. بخش دوم

بخش دوم سوره با آیه «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ تَنْزِيلًا» آغاز می‌شود. آیه‌ای که با تأکیدهای متعدد، نزول قرآن را از سوی خداوند متعال بیان می‌کند. پس از این تأکیدها، خداوند به پیامبر^(ص) دستور به صبر در انجام حکم الهی می‌دهد و او را از پیروی دو گروه آثم و کفور بر حذر می‌دارد: «فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تُطِعْ مِنْهُمْ آثِمًا أَوْ كَفُورًا».

اما این حکم که نیازمند صبر و استقامت است، چیست؟

تعبیر «حکم رب» نشان می‌دهد که مأموریتی از جانب خداوند به پیامبر^(ص) نازل شده است. پیامبر^(ص) به دلیل وجود دو گروه آثم و کفور، تحت فشار فراوانی قرار دارد و از مطرح شدن این حکم نگران است؛ زیرا می‌داند این دو گروه در برابر این حکم مخالفت خواهند کرد. از این رو، خداوند با تأکید ویژه می‌فرماید: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ تَنْزِيلًا»، تا عظمت و حساسیت فوق‌العاده‌ی این حکم الهی را نشان دهد و ضرورت صبر پیامبر^(ص) را روشن سازد.^۲

مسئله سنگینی حکم ولایت امیرالمؤمنین^(ع) سبب شده تا این همه سفارش و تأکید و فرمان به صبر صادر شود. تنها موضوعی که می‌تواند توجیه کند که چرا فرمان صبر به پیامبر^(ص) داده شده و فرموده: «وَلَا تُطِعْ مِنْهُمْ آثِمًا أَوْ كَفُورًا». مسئله ابلاغ ولایت و جانشینی امیرالمؤمنین^(ع) است؛ وگرنه پیامبر^(ص) در هیچ مسئله‌ای نیاز

۱. در اینجا بار دیگر فن «حسن مطلع» نمایان می‌شود؛ زیرا آیه به پرسش آغاز سوره به شکلی عمیق‌تر پاسخ داده است. این پاسخ که مذکور شدن ابرار^(ع) و رسیدن به مقام خلافت الهی در عالم است، هدف اصلی سوره را آشکار می‌کند. با بیان این مطلب، سوره به اوج بلندای معارف خود می‌رسد و سپس با تخلصی زیبا به دنیا و مسئله واکنش انسان‌ها در برابر ابرار^(ع) و جایگاه آنان فرود می‌آید.

۲. این آیه از جریانی در آینده خبر می‌دهد.

به این همه سفارش و تأکید نداشتند است. این موضوعی است که باید درباره‌ی آن تا این حد تأکید شود: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ» (المائدة: ۶۷). همان گونه که امام کاظم^(ع) گوشزد کرده است که آیه به ولایت امیرالمؤمنین^(ع) اختصاص دارد: «نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ بِلَايَةِ عَلِيٍّ (عليه السلام) تَنْزِيلًا» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۴۳۵). سپس، برای افزایش صبر، فرمان به نماز و عبادت داده می‌شود، گویی ذکر خداوند یاری‌بخش پیامبر^(ص) در انجام وظیفه است.

بعد از آن، به معرفی بیشتر دو گروه آثم و کفور^۱ می‌پردازد. کسانی که به دلیل دنیادوستی و غفلت از روز سنگین، در برابر حکم خدا می‌ایستند: «إِنَّ هَؤُلَاءِ يَجْحُونَ الْعَاجِلَةَ وَيَذَرُونَ وَرَاءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا»^۲. سپس، به سنت استبدال^۳ اشاره می‌کند. اگر گروهی از اختیار خود سوءاستفاده نموده و به دشمنی با خدا و حکم او و دوستان خدا برخیزند، نمی‌توانند او را عاجز و درمانده نمایند؛ خداوند هرگاه اراده کند تمام قید و بندهای آنان را می‌گسلد و رشته وابستگی آنان را به حیات از بین می‌برد و گروهی دیگر را به جای آنان می‌آورد. گروهی جایگزین گروه دیگری می‌شود و این امر تا جایی ادامه پیدا می‌کند که مطابق با آیه «وَقَلِيلٌ مِنَ عِبَادِيَ الشَّكُورُ» (سبأ: ۱۳)، تعداد کمی باقی بمانند و انتظار خداوند را برآورده کنند. پس از آن، در آیه ۲۹ می‌فرماید: «إِنَّ هَذِهِ تَذَكُّرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذْ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا». اکنون با توجه به فضای کلی و محتوای سوره، مشخص می‌گردد که «سبیل» چیزی جز مودت اهل بیت^(ع) نیست.

آیه «وَمَا تَشَاؤُنَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ» یک قانون کلی را بیان می‌کند؛ کسانی می‌توانند دوستدار اهل بیت^(ع) باشند که شایستگی داشته باشند. آیه «يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ

۱. «آثم» کسانی هستند که مطابق فطرت خود عمل نکرده و گناهکار شده‌اند و «کفور» کسانی هستند که حق اولیای الهی را می‌پوشانند.

۲. وجه ارتباط این آیه با آیه قبل، تعلیل است؛ زیرا دو گروه آثم و کفور، به سبب حب دنیا و غفلت از آخرت، در برابر حکم الهی ایستادگی می‌کنند. هر کس به هر اندازه که گرفتار این محبت و دلبستگی شود، به همان میزان به این دو گروه اهل دنیا متمایل شده و از آنان پیروی خواهد کرد. لذا، راه نجات از حب دنیا و پیامدهای آن که شامل تکذیب حکم قرآن درباره ابرار^(ع)، انکار رسول خدا^(ص) و اطاعت از اهل دنیا (آثم و کفور) است، در ذکر دائم خداوند نهفته است.

۳. در این آیه استطرادی ظریف از بحث محوری به موضوع استبدال رخ می‌دهد.

فِي رَحْمَتِهِ وَ الظَّالِمِينَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا» بیان می‌کند کسانی می‌توانند از رحمت الهی برخوردار شوند که باز هم شایستگی داشته باشند. هر کس که محبت ابرار^(ع) را داشته باشد مشمول رحمت الهی خواهد شد و هر کس که به آنان و حقشان ستم نماید به عذابی دردناک گرفتار می‌شود. باتکیه بر روایات و ارتباط آیات، منظور از رحمت، ولایت امام علی^(ع) است (نک: جودوی و فقیهی، ۱۴۰۳، ص پ ۴۶۱).

چنان که ملاحظه شد، نیمه دوم سوره، باظرافت هرچه تمام‌تر، بر حکم پروردگار مبنی بر جانیشینی وجود مبارک حضرت علی^(ع) تأکید کرده و دشواری و سنگینی این حکم را هم گوشزد فرموده و مردم را بر مودت و محبت آنهایی سفارش نموده که در این سوره از آنها با عنوان ابرار یاد کرده است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که منظور از «سبیل» در آیه ۲۹ مودت قربی است.

نتیجه‌گیری

نتیجه مطالب فوق را می‌توان در چهار مورد جمع‌بندی و خلاصه کرد:

۱) واژه‌ی «سبیل» در آیه بیست‌ونهم سوره انسان دارای دو بُعد معنایی متمایز است: یک بُعد، ابتدایی و پوسته‌ای و بُعد دیگر اصلی و هسته‌ای. بُعد اول، لفافه‌ای برای بُعد دوم به شمار می‌آید.

۲) «محبت و مودت اهل بیت^(ع)»، بُعد اصلی و هسته‌ای «سبیل» به شمار می‌آید. این فهم عمیق، از یک سو مرهون آیات اجر رسالت و روایات و از سوی دیگر، در گرو اعمال تفسیر ترتیبی روشمند بر سوره انسان و تبیین ارتباط آیات آن است. ۳) در این پژوهش اختلاف‌نظرهای مفسران در مورد مصداق «سبیل» به دو دسته کلی تقسیم گردید: مفسران دسته اول بر عام بودن مصداق «سبیل» اصرار ورزیده‌اند که این امر با هدف و مقصود آیه فاصله دارد؛ مفسران دسته دوم به تعیین مصداق پرداخته‌اند، از جمله: انجام واجبات و طاعات، قرآن کریم، محتوای سوره انسان، نماز شب، ابرار و ولایت امیرالمؤمنین^(ع).

۴) بُعد ابتدایی و پوسته‌ای «سبیل»، همان اطاعت از خداوند، قرآن کریم، محتوای سوره انسان، نماز شب و ابرار است. بُعد اصلی و هسته‌ای «سبیل»، همان ولایت امیرالمؤمنین^(ع) است.

• سپاسگزاری

این مقاله بر اساس آرای تفسیری زنده‌یاد دکتر محمدحسین برومند، دانشیار دانشگاه یزد و با تکمیل و متمیم داده‌های درسی و دانشجویی ایشان تدوین شده است. خداوند رحمت خویش را بر ایشان ریزان گرداند.

منابع

• قرآن کریم

۱. آلوسی، محمود بن عبدالله (۱۳۸۲). *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲. ابن عاشور، محمدطاهر (۱۴۲۰ق). *التحریر و التنویر المعروف من التفسیر (ابن عاشور)*. بیروت: موسسه التاریخ العربی.
۳. ابن عباس، عبدالله (۱۴۲۵ق). *تنویر المقیاس من تفسیر ابن عباس*. بیروت: موسسه التاریخ العربی.
۴. ابن عجیه، احمد (۲۰۱۰م). *البحر الممدید فی تفسیر القرآن المجدید*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۵. ابن عطیه، عبدالحق بن غالب (۱۴۲۲ق). *المحرر الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۶. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۱۹ق). *تفسیر القرآن العظیم*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۷. ابو حیان، محمد بن یوسف (۱۴۲۰ق). *البحر المحیط فی التفسیر*. بیروت: دارالفکر.
۸. ابوالسعود، محمد بن محمد (بی تا). *تفسیر ابی السعود*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۹. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۳۷۱). *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*. مشهد: آستان مقدس رضوی.
۱۰. اشکوری، محمد بن علی (۱۳۷۳). *تفسیر شریف لاهیجی*. تهران: دفتر نشر داد.
۱۱. امین، نصرت بیگم (بی تا). *مخزن العرفان در تفسیر قرآن*. اصفهان: انجمن حمایت از خانواده‌های بی سرپرست اصفهان.
۱۲. بالیسانی، محمدطه (۱۴۳۸ق). *حسن البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۱۳. برومند، محمدحسین (بی تا). *دروس تفسیری دکتر برومند*. بی جا: بی نا.

۱۴. برومند، محمدحسین؛ جودوی، امیر (۱۳۸۵). *نقدی بر کتاب التفسیر و المفسرون*. قم: عرش اندیشه.
۱۵. بغوی، حسین بن مسعود (۱۴۲۰ق). *تفسیر البغوی*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۱۶. بقاعی، ابراهیم بن عمر (۱۴۲۷ق). *نظم الدرر فی تناسب الآيات و السور*. بیروت: دارالکتب العلمیة.
۱۷. بلاغی، عبدالحجة (۱۳۴۴). *حجة التفاسیر و بلاغ الإکسیر*. قم: چاپخانه حکمت.
۱۸. پانی پتی، ثناءالله (۱۴۱۲ق). *تفسیر المظهری*. کویت: مکتبه رشیدیة.
۱۹. ثعلبی، احمد بن محمد (۱۴۲۲ق). *الکشف و البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الثعلبی)*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۲۰. ثقفی تهرانی، محمد (بی تا). *روان جاوید در تفسیر قرآن مجید*. تهران: برهان.
۲۱. جعفری، یعقوب (۱۳۹۸). *تفسیر کوثر*. قم: هجرت.
۲۲. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۸، ۱ مهر). *تفسیر سوره انسان*، جلسه ۱. <https://javadi.esra.ir>
۲۳. جودوی، امیر؛ فقیهی، فرزانه (۱۴۰۳). *تفسیر ترتیبی سوره انسان*. یزد: آبیننه کویر.
۲۴. حجازی، محمد محمود (۱۴۱۳ق). *التفسیر الواضح*. بیروت: دار الجیل.
۲۵. حسینی همدانی، محمد (۱۳۸۰). *انوار درخشان در تفسیر قرآن*. تهران: لطفی.
۲۶. حلی، محمد علی حسن (۱۴۳۵ق). *المتشابه من القرآن*. بیروت: عماد عزیز.
۲۷. حوی، سعید (۱۴۲۴ق). *الاساس فی التفسیر*. قاهره: دارالسلام.
۲۸. خازن، علی بن محمد (۱۴۱۵ق). *لباب التأویل فی معانی التنزیل*. بیروت: دارالکتب العلمیة.
۲۹. خسروانی، علیرضا (۱۳۹۰ق). *تفسیر خسروی*. تهران: کتابفروشی اسلامیة.
۳۰. خطیب، عبدالکری (۱۴۲۴ق). *التفسیر القرآنی للقرآن*. قاهره: دارالفکر العربی.
۳۱. دروزه، محمدعزة (۱۴۲۱ق). *التفسیر الحدیث*. بیروت: دار الغرب الاسلامی.
۳۲. رسعی، عبدالرزاق بن رزق الله (۱۴۲۹ق). *رموز الكنوز فی تفسیر الكتاب العزیز*. مکه مکرمه: مکتبة الأسدی.
۳۳. زحیلی، وهبة (۱۴۱۸ق). *التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج*. بیروت: دارالفکر المعاصر.
۳۴. زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق). *الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل و عیون الاقاول* *فی وجوه التأویل*. بیروت: دارالکتب العربی.
۳۵. سعدی، عبدالرحمن (۱۴۲۱ق). *تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۳۶. سلیمان، مقاتل (۱۴۲۳ق). *تفسیر مقاتل بن سلیمان*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۳۷. سید قطب، ابراهیم حسین (۱۴۰۸ق). *فی ظلال القرآن*. بیروت: دارالشروق.

٣٨. شاه عبدالعظیمی، حسین (١٣٦٣). *تفسیر اثنی عشری*. تهران: میقات.
٣٩. شبر، عبدالله (١٤٠٧ق). *الجواهر الثمین فی تفسیر کتاب المبین*. کویت: شرکتة مكتبة الالفین.
٤٠. شحاتة، عبدالله محمود (١٤٢١ق). *تفسیر القرآن الکریم*. قاهرة: دار غریب.
٤١. شوکانی، محمد (١٤١٤ق). *فتح القدر*. دمشق: دار ابن کثیر.
٤٢. صادقی تهرانی، محمد (١٤٠٦ق). *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنة*. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
٤٣. صدیق حسن خان، محمد صدیق (١٣٠٧ق). *فتح البیان فی مقاصد القرآن*. بیروت: دار الکتب العلمیة
٤٤. طباطبایی، محمد حسین (١٣٩٠ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
٤٥. طبرانی، سلیمان بن احمد (٢٠٠٨م). *التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم*. اردن: دارالکتاب الثقافی.
٤٦. طبرسی، فضل بن حسن (١٤٠٨ق). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار المعرفة.
٤٧. طبری، محمد بن جریر (١٤١٢ق). *جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)*. قاهرة: هجر.
٤٨. طنطاوی، محمد سید (١٤٣١ق). *التفسیر الوسیط للقرآن الکریم (طنطاوی)*. قاهرة: نهضة مصر.
٤٩. طوسی، محمد بن حسن (بی تا). *التبیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
٥٠. طیب، عبدالحسین (١٣٧٨). *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: اسلام.
٥١. فخر رازی، محمد بن عمر (١٤٢٠ق). *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
٥٢. فضل الله، محمد حسین (١٤٣٩ق). *من وحی القرآن*. بیروت: دار الملائک.
٥٣. فیض کاشانی، محمد بن مرتضی (١٣٧٣). *تفسیر الصافی*. تهران: مکتبه الصدر.
٥٤. فیض کاشانی، محمد بن مرتضی (١٣٧٦). *الأصفی فی تفسیر القرآن*. قم: مکتب الإعلام الإسلامی.
٥٥. قاسمی، جمال الدین (١٤١٨ق). *تفسیر القاسمی (محاسن التأویل)*. بیروت: دارالکتب العلمیة.
٥٦. قرشی بنابی، علی اکبر (١٣٧٧). *تفسیر احسن الحدیث*. تهران: بنیاد بعثت.
٥٧. قرطبی، محمد بن احمد (١٣٦٤). *الجامع لأحكام القرآن*. تهران: ناصر خسرو.
٥٨. کاشانی، فتح الله بن شکر الله (١٣٣٦). *منهج الصادقین فی إلزام المخالفین*. تهران: کتابفروشی و چاپخانه محمد حسن علمی.

۵۹. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳). *الكافی*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۶۰. ماتریدی، محمد بن محمد (۱۴۲۶ق). *تأویلات أهل السنة*. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۶۱. ماوردی، علی بن محمد (بی تا). *النکت و العیون (تفسیر الماوردی)*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۶۲. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار*. تهران: موسسه الوفاء.
۶۳. مدرسی، محمد تقی (۱۴۱۹ق). *من هدی القرآن*. تهران: دار محبی الحسین.
۶۴. مراغی، احمد مصطفی (۱۳۷۱ق). *تفسیر المراغی*. بیروت: دارالفکر.
۶۵. مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۴ق). *التفسیر الکاشف*. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۶۶. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۶۷. میبیدی، احمد بن محمد (۱۳۷۱). *کشف الأسرار و عدة الأبرار*. تهران: امیرکبیر.
۶۸. نجفی، محمد جواد (۱۳۹۸ق). *تفسیر آسان*. تهران: کتابفروشی اسلامیه.
۶۹. نحاس، احمد بن محمد (۱۴۲۱ق). *إعراب القرآن*. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۷۰. نسفی، عبدالله بن احمد (۱۴۱۶ق). *مدارک التنزیل و حقائق التأویل (تفسیر النسفی)*. بیروت: دار النفاثس.
۷۱. نهاوندی، محمد (۱۳۸۶). *نفحات الرحمن فی تفسیر القرآن*. قم: بنیاد بعثت.
۷۲. واحدی، علی بن احمد (۱۴۱۵ق). *الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز (واحدی)*. بیروت: دارالقلم.

References

- *The Holy Quran*. (In Arabic)
- 1. Ālūsī, Maḥmūd b. ‘Abd Allāh. (1382 AH/1963 CE). *Rūḥ al-ma‘ānī fī tafsīr al-Qur‘ān al-‘azīm wa al-sab‘ al-mathānī*. Beirut: Dār al-Kutub al-‘Ilmiyyah. (In Arabic)
- 2. Ibn ‘Ashūr, Muḥammad al-Ṭāhir. (1420 AH/1999 CE). *Al-Taḥrīr wa al-tanwīr al-ma‘rūf min al-tafsīr (Ibn ‘Ashūr)* [The Editing and Enlightenment, Known as Ibn ‘Ashur's Tafsir]. Beirut: Mu’assasat al-Tārīkh al-‘Arabī. (In Arabic)
- 3. Ibn ‘Abbās, ‘Abd Allāh. (1425 AH/2004 CE). *Tanwīr al-miqbās min tafsīr Ibn ‘Abbās* [The Illumination of the Fire-Stick from the Tafsir of ibn Abbas]. Beirut: Mu’assasat al-Tārīkh al-‘Arabī. (In Arabic)
- 4. Ibn ‘Ajībah, Aḥmad. (2010 CE). *Al-Baḥr al-madīd fī tafsīr al-Qur‘ān al-majīd* [The Vast Sea in Interpreting the Glorious Quran]. Beirut: Dār al-Kutub al-‘Ilmiyyah. (In Arabic)
- 5. Ibn ‘Aṭīyyah, ‘Abd al-Ḥaqq b. Ghālib. (1422 AH/2001 CE). *Al-Muḥarrar al-wajīz fī tafsīr al-kitāb al-‘azīz* [The Concise Compendium in Interpreting the Noble Book]. Beirut: Dār al-Kutub al-‘Ilmiyyah. (In Arabic)
- 6. Ibn Kathīr, Ismā‘īl b. ‘Umar. (1419 AH/1999 CE). *Tafsīr al-Qur‘ān al-‘azīm* [Interpretation of the Great Quran]. Beirut: Dār al-Kutub al-‘Ilmiyyah. (In Arabic)
- 7. Abū Ḥayyān, Muḥammad b. Yūsuf. (1420 AH/1999 CE). *Al-Baḥr al-muḥīṭ fī al-tafsīr* [The Encompassing Ocean in Interpretation]. Beirut: Dār al-Fikr. (In Arabic)
- 8. Abū al-Sa‘ūd, Muḥammad b. Muḥammad. (n.d.). *Tafsīr Abī al-Sa‘ūd* [The Tafsir of Abu al-Sa'ud]. Beirut: Dār Iḥyā’ al-Turāth al-‘Arabī. (In Arabic)
- 9. Abū al-Futūḥ al-Rāzī, Ḥusayn b. ‘Alī. (1371 SH/1992 CE). *Rawḍ al-jinān wa rūḥ al-jinān fī tafsīr al-Qur‘ān* [The Garden of Gardens and the Spirit of Gardens in Interpreting the Quran]. Mashhad: Āstān-i Quds-i Raḍavī. (In Persian)
- 10. Ashkūrī, Muḥammad b. ‘Alī. (1373 SH/1994 CE). *Tafsīr-i sharīf-i Lāhījī* [The Noble Tafsir of Lahiji]. Tehran: Daftar-i Nashr-i Dād. (In Persian)
- 11. Amīn, Nuṣrat Bīgum. (n.d.). *Makhzan al-‘irfān dar tafsīr-i Qur‘ān* [The Treasury of Gnosis in Quranic Interpretation]. Isfahan: Anjuman-i Ḥimāyat az Khānavādhā-yi Bī-Sarparast-i Isfahān. (In Persian)

12. Balīssānī, Muḥammad Ṭahā. (1438 AH/2016 CE). *Ḥusn al-bayān fī tafsīr al-Qur'ān* [The Good Exposition in Interpreting the Quran]. Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī. (In Arabic)
13. Burūmand, Muḥammad Ḥusayn. (n.d.). *Durūs-i tafsīr-i Duktur Burūmand* [Exegetical Lessons of Dr. Burumand]. [No City]: [No Publisher]. (In Persian)
14. Burumand, Muhammad Hussein, & Judavi, Amir. (1385 SH/2006 CE). *Naqdī bar ketāb-e al-Tafsīr wa al-mufasssīrūn* [A Critique of the Book "Al-Tafsīr wa al-Mufasssīrūn"]. Qom: 'Arsh-e Andīsha. (In Persian)
15. Baghawī, Ḥusayn b. Mas 'ūd. (1420 AH/1999 CE). *Tafsīr al-Baghawī al-musammā ma 'ālim al-tanzīl* [Al-Baghawi's Tafsir, Named "The Landmarks of Revelation"] (M. 'Abd al-Razzāq, Ed.). Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī. (In Arabic)
16. Biqā 'ī, Ibrāhīm b. 'Umar. (1427 AH/2006 CE). *Naẓm al-durar fī tanāsūb al-āyāt wa al-suwar* [The Stringing of Pearls on the Harmony of Verses and Chapters]. Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmiyyah. (In Arabic)
17. Balāghī, 'Abd al-Ḥujjah. (1344 SH/1965 CE). *Ḥujjat al-tafāsīr wa balāgh al-iksīr* [The Proof of Tafsirs and the Eloquence of the Elixir]. Qom: Chāpkhānah-i Ḥikmat. (In Persian)
18. Pānī Patī, Thanā' Allāh. (1412 AH/1991 CE). *Tafsīr al-Maẓharī* [The Manifest Tafsir]. Quetta: Maktabat Rashīdiyya. (In Arabic/Urdu)
19. Tha 'labī, Aḥmad b. Muḥammad. (1422 AH/2002 CE). *Al-Kashf wa al-bayān fī tafsīr al-Qur'ān (Tafsīr al-Tha 'labī)* [The Unveiling and Elucidation in Interpreting the Quran (Al-Tha'labi's Tafsir)]. Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī. (In Arabic)
20. Thaqaḥī Tehrānī, Muḥammad. (n.d.). *Ravān-i jāwīd dar tafsīr-i Qur'ān-i majīd* [The Eternal Soul in Interpreting the Glorious Quran]. Tehran: Burhān. (In Persian)
21. Ja 'farī, Ya 'qūb. (1398 SH/2019 CE). *Tafsīr-i Kawthar* [The Kawthar Tafsir]. Qom: Hijrat. (In Persian)
22. Javādī Āmuli, 'Abd Allāh. (1398 SH/2019 CE, Mehr 1). *Tafsīr-e Sūrah-e Insān* [Interpretation of Surah Al-Insan], Session 1. Retrieved from <https://javadi.esra.ir> (In Persian)
23. Judavi, Amir, & Faqīhi, Farzaneh. (1403 SH/2024 CE). *Tafsīr-e tartībī-e Sūrah-e Insān* [Sequential Interpretation of Surah Al-Insan]. Yazd: Abgineh-e Kavir. (In Persian)

24. Hijazi, Muḥammad Maḥmūd. (1413 AH/1992 CE). *Al-Tafsīr al-wāḍiḥ* [The Clear Interpretation]. Beirut: Dār al-Jīl. (In Arabic)
25. Ḥusaynī Hamadānī, Muḥammad. (1380 SH/2001 CE). *Anvār-e darakhshān dar tafsīr-e Qur'ān* [Brilliant Lights in Quranic Interpretation]. Tehran: Luṭfī. (In Persian)
26. Ḥillī, Muḥammad 'Alī Ḥasan. (1435 AH/2014 CE). *Al-Mutashābih min al-Qur'ān* [The Ambiguous Verses of the Quran]. Beirut: 'Imād 'Azīz. (In Arabic)
27. Ḥawwā, Sa 'īd. (1424 AH/2003 CE). *Al-Asās fī al-tafsīr* [The Foundation in Interpretation]. Cairo: Dār al-Salām. (In Arabic)
28. Khāzin, 'Alī b. Muḥammad. (1415 AH/1994 CE). *Lubāb al-ta'wīl fī ma 'ānī al-tanzīl* [The Quintessence of Interpretation of the Meanings of Revelation]. Beirut: Dār al-Kutub al- 'Ilmiyyah. (In Arabic)
29. Khosravani, 'Ali Reḍā. (1390 SH/2011 CE). *Tafsīr-e Khosravī* [The Khosravi Tafsir]. Tehran: Ketābfurūshī-e Islāmiyya. (In Persian)
30. Khaṭīb, 'Abd al-Karīm. (1424 AH/2003 CE). *Al-Tafsīr al-Qur'ānī lil-Qur'ān* [The Quranic Interpretation for the Quran]. Cairo: Dār al-Fikr al- 'Arabī. (In Arabic)
31. Darwazah, Muḥammad 'Izzah. (1421 AH/2000 CE). *Al-Tafsīr al-ḥadīth* [The Modern Interpretation]. Beirut: Dār al-Gharb al-Islāmī. (In Arabic)
32. Ras 'anī, 'Abd al-Razzāq b. Rizq Allāh. (1429 AH/2008 CE). *Rumūz al-kunūz fī tafsīr al-kitāb al- 'azīz* [Symbols of Treasures in Interpreting the Noble Book]. Mecca: Maktabat al-Asadī. (In Arabic)
33. Zuhaylī, Wahbah. (1418 AH/1997 CE). *Al-Tafsīr al-munīr fī al-'aqīdah wa al-sharī 'ah wa al-manhaj* [The Enlightening Interpretation in Doctrine, Law, and Methodology]. Beirut: Dār al-Fikr al-Mu 'āṣir. (In Arabic)
34. Zamakhsharī, Maḥmūd b. 'Umar. (1407 AH/1986 CE). *Al-Kashshāf 'an ḥaqā'iq ghawāmiḍ al-tanzīl wa 'uyūn al-aqāwīl fī wujūh al-ta'wīl* [The Unveiler of the Realities of the Mysteries of Revelation and the Choicest Statements on Aspects of Interpretation]. Beirut: Dār al-Kitāb al- 'Arabī. (In Arabic)
35. Sa 'dī, 'Abd al-Raḥmān. (1421 AH/2001 CE). *Taysīr al-karīm al-raḥmān fī tafsīr kalām al-mannān* [The Facilitation by the Generous, Most Merciful in Interpreting the Speech of the Bestower]. Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al- 'Arabī. (In Arabic)

36. Sulaymān, Muqātil b. (1423 AH/2002 CE). *Tafsīr Muqātil b. Sulaymān* (A. Farīd, Ed.). Beirut: Dār Ihyā' al-Turāth al- 'Arabī. (In Arabic)
37. Sayyid Quṭb, Ibrāhīm Ḥusayn. (1408 AH/1987 CE). *Fī ḡilāl al-Qur'ān* [In the Shade of the Quran]. Beirut: Dār al-Shurūq. (In Arabic)
38. Shāh 'Abd al- 'Azīmi, Ḥussein. (1363 SH/1984 CE). *Tafsīr-e Ithnā 'Asharī* [The Twelver (Shia) Tafsir]. Tehran: Mīqāt. (In Persian)
39. Shubbar, 'Abd Allāh. (1407 AH/1986 CE). *Al-Jawhar al-thamīn fī tafsīr al-kitāb al-mubīn* [The Precious Jewel in Interpreting the Clear Book]. Kuwait: Sharikat Maktabat al-Alfayn. (In Arabic)
40. Shaḥātah, 'Abd Allāh Maḥmūd. (1421 AH/2000 CE). *Tafsīr al-Qur'ān al-karīm* [Interpretation of the Noble Quran]. Cairo: Dār Gharīb. (In Arabic)
41. Shawkānī, Muḥammad. (1414 AH/1993 CE). *Faḥ al-qadīr* [The Victory of the Almighty]. Damascus: Dār Ibn Kathīr. (In Arabic)
42. Ṣādiqī Tehrānī, Muḥammad. (1406 AH/1985 CE). *Al-Furqān fī tafsīr al-Qur'ān bi-al-Qur'ān wa al-sunnah* [The Criterion in Interpreting the Quran by the Quran and the Sunnah]. Beirut: Mu'assasat al-A 'lamī lil-Maṭbū 'āt. (In Arabic)
43. Ṣiddīq Ḥasan Khān, Muḥammad Ṣiddīq. (1307 AH/1889 CE). *Faḥ al-bayān fī maqāsid al-Qur'ān* [The Elucidation of the Goals of the Quran]. Beirut: Dār al-Kutub al- 'Ilmiyyah. (In Arabic)
44. Ṭabāṭabā'ī, Muḥammad Ḥussein. (1390 AH/1970 CE). *Al-Mīzān fī tafsīr al-Qur'ān* [The Balance in Interpreting the Quran]. Beirut: Mu'assasat al-A 'lamī lil-Maṭbū 'āt. (In Arabic)
45. Ṭabarānī, Sulaymān b. Aḥmad. (2008 CE). *Al-Tafsīr al-kabīr: Tafsīr al-Qur'ān al- 'aẓīm* [The Great Interpretation: Interpretation of the Great Quran]. Irbid, Jordan: Dār al-Kitāb al-Thaqāfī. (In Arabic)
46. Ṭabrasī, Faḍl b. al-Ḥasan. (1408 AH/1987 CE). *Majma 'al-bayān fī tafsīr al-Qur'ān* [The Confluence of Elucidation in Interpreting the Quran]. Beirut: Dār al-Ma 'rifah. (In Arabic)
47. Ṭabarī, Muḥammad b. Jarīr. (1412 AH/1992 CE). *Jāmi 'al-bayān fī tafsīr al-Qur'ān (Tafsīr al-Ṭabarī)* [The Compendium of Elucidation in Interpreting the Quran (Al-Tabari's Tafsir)]. Cairo: Hajar. (In Arabic)
48. Ṭanṭāwī, Muḥammad Sayyid. (1431 AH/2010 CE). *Al-Tafsīr al-wasīṭ lil-Qur'ān al-karīm (Ṭanṭāwī)* [The Intermediate

- Interpretation of the Noble Quran (Al-Tantawi)]. Cairo: Nahdat Miṣr. (In Arabic)
49. Ṭūsī, Muḥammad b. al-Ḥasan. (n.d.). *Al-Tibyān fī tafsīr al-Qurʾān* [The Exposition in Interpreting the Quran]. Beirut: Dār Iḥyāʾ al-Turāth al-ʿArabī. (In Arabic)
 50. Ṭayyib, ʿAbd al-Ḥussein. (1378 SH/1999 CE). *Aṭyab al-bayān fī tafsīr al-Qurʾān* [The Finest Exposition in Interpreting the Quran]. Tehran: Islām. (In Persian)
 51. Fakhr al-Rāzī, Muḥammad b. ʿUmar. (1420 AH/2000 CE). *Al-Tafsīr al-kabīr (Maḥāṣin al-ghayb)* [The Great Interpretation (The Keys to the Unseen)]. Beirut: Dār Iḥyāʾ al-Turāth al-ʿArabī. (In Arabic)
 52. Faḍl Allāh, Muḥammad Ḥusayn. (1439 AH/2017 CE). *Min waḥy al-Qurʾān* [From the Inspiration of the Quran]. Beirut: Dār al-Malāk. (In Arabic)
 53. Feyḍ Kāshānī, Muḥammad b. Murtaḍā. (1373 SH/1994 CE). *Tafsīr al-Ṣāfi* [The Pure Interpretation]. Tehran: Maktabat al-Ṣadr. (In Arabic/Persian)
 54. Feyḍ Kāshānī, Muḥammad b. Murtaḍā. (1376 SH/1997 CE). *Al-Aṣfā fī tafsīr al-Qurʾān* [The Purest in Interpreting the Quran]. Qom: Maktab al-I ʿlām al-Islāmī. (In Arabic)
 55. Qāsimī, Jamāl al-Dīn. (1418 AH/1997 CE). *Tafsīr al-Qāsimī (Maḥāsin al-taʿwīl)* [Al-Qasimi's Tafsir (The Beauties of Interpretation)]. Beirut: Dār al-Kutub al-ʿIlmiyyah. (In Arabic)
 56. Qarashī Bonābī, ʿAlī Akbar. (1377 SH/1998 CE). *Tafsīr-e aḥsan al-ḥadīth* [The Best of Narration Interpretation]. Tehran: Bunyād-e Be ʿthat. (In Persian)
 57. Qurṭubī, Muḥammad b. Aḥmad. (1364 SH/1985 CE). *Al-Jāmi ʿli-ahkām al-Qurʾān* [The Comprehensive Collection of the Rulings of the Quran]. Tehran: Nāṣir Khusraw. (In Arabic)
 58. Kāshānī, Faṭḥ Allāh b. Shukr Allāh. (1336 SH/1957 CE). *Minhaj al-ṣādiqīn fī ilzām al-mukhālifīn* [The Path of the Truthful in Obliging the Opponents]. Tehran: Kitābfurūshī-e Muḥammad Ḥasan ʿIlmī. (In Persian)
 59. Kulaynī, Muḥammad b. Ya ʿqūb. (1363 SH/1984 CE). *Al-Kāfi* [The Sufficient]. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyyah. (In Arabic)
 60. Māturīdī, Muḥammad b. Muḥammad. (1426 AH/2005 CE). *Taʿwīlāt ahl al-sunnah* [The Interpretations of the People of the Sunnah]. Beirut: Dār al-Kutub al-ʿIlmiyyah. (In Arabic)

61. Māwardī, ‘Alī b. Muḥammad. (n.d.). *Al-Nukat wa al- ‘uyūn (Tafsīr al-Māwardī)* [The Subtleties and Sources (Al-Mawardi's Tafsir)]. Beirut: Dār al-Kutub al- ‘Ilmiyyah. (In Arabic)
62. Majlisī, Muḥammad Bāqir. (1403 AH/1983 CE). *Bihār al-anwār* [Seas of Lights]. Tehran: Mu’assasat al-Wafā’. (In Arabic)
63. Mudarresī, Muḥammad Taqī. (1419 AH/1998 CE). *Min hudá al-Qur’ān* [From the Guidance of the Quran]. Tehran: Dār Muḥibbī al-Ḥusayn. (In Arabic)
64. Marāghī, Aḥmad Muṣṭafá. (1371 AH/1952 CE). *Tafsīr al-Marāghī* [Al-Maraghi's Tafsir]. Beirut: Dār al-Fikr. (In Arabic)
65. Mughnīyah, Muḥammad Jawād. (1424 AH/2003 CE). *Al-Tafsīr al-kāshif* [The Revealing Interpretation]. Tehran: Dār al-Kitāb al-Islāmī. (In Arabic)
66. Makarem Shirazi, Naser. (1374 SH/1995 CE). *Tafsīr-e nemūnah* [The Exemplary Tafsir]. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyyah. (In Persian)
67. Meybudī, Aḥmad b. Muḥammad. (1371 SH/1992 CE). *Kashf al-asrār wa ‘uddat al-abrār* [The Unveiling of Secrets and the Provision of the Pious]. Tehran: Amir Kabir. (In Persian)
68. Najafī, Muḥammad Jawād. (1398 AH/1978 CE). *Tafsīr-i āsān* [The Easy Tafsir]. Tehran: Kitābfurūshī-i Islāmiyya. (In Persian)
69. Naḥḥās, Aḥmad b. Muḥammad. (1421 AH/2000 CE). *I ‘rāb al-Qur’ān* [The Grammatical Analysis of the Quran]. Beirut: Dār al-Kutub al- ‘Ilmiyyah. (In Arabic)
70. Nasafī, ‘Abd Allāh b. Aḥmad. (1416 AH/1995 CE). *Madārik al-tanzīl wa ḥaqā’iq al-ta’wīl (Tafsīr al-Nasafī)* [The Perceptions of Revelation and the Realities of Interpretation (Al-Nasafi's Tafsir)]. Beirut: Dār al-Nafā’is. (In Arabic)
71. Nahawandi, Muḥammad. (1386 SH/2007 CE). *Nafahāt al-rahmān fī tafsīr al-Qur’ān* [The Fragrant Breezes of the Merciful in Quranic Interpretation]. Qom: Bunyād-i Ba ‘that. (In Persian)
72. Wāḥidī, ‘Alī b. Aḥmad. (1415 AH/1994 CE). *Al-Wajīz fī tafsīr al-kitāb al- ‘azīz (Wāḥidī)* [The Concise [Work] in Interpreting the Noble Book (Al-Wahidi)]. Beirut: Dār al-Qalam. (In Arabic)